

به راه بادیه دانند قدر آب زلال^۱

جلال‌الدین رفیع‌فر (سردبیر)

حدیث سی سال همکاری و رفاقت

سخت‌ترین کار، نوشتن مطلبی در رسای یک شخص والامقام است. این دغدغه که نکند حق مطلب را بدرستی و آن‌طور که بایسته و شایسته اوست ادا نکنی، تا پایان کار ذهن نویسنده را رها نمی‌کند. ذهنی که مطالب و مسایل زیادی را در طول سی سال همکاری و رفاقت تنگاتنگ و صمیمی در خود ذخیره کرده است و امروز می‌بایستی تمام آن اندوخته ذی‌قیمت را در چند کلمه و یا صفحه خلاصه کند کاری نزدیک به محال، یا دست کم وظیفه‌ای سنگین است.

محمد میرزایی از جمله شخصیت‌های نادری است که با اطمینان کامل می‌توان گفت، نه تنها دانشکده علوم اجتماعی بلکه دانشگاه تهران نیز نظیر آن را کمتر بخود دیده است. نه به این خاطر که ده سال مدیریت دانشکده را بعهدہ داشته، نه بدلیل این که بیست سال سکان‌دار گروه جمعیت‌شناسی بوده، یا انجمن جمعیت‌شناسی را پایه‌گذاری کرده و یا انجام وظایف سنگین دیگر.

اینها، بخش کوچکی از خدماتی است که دکتر میرزایی نزدیک به پنجاه سال از عمر مفید خود را صرف انجام آن‌ها کرده است. محمد میرزایی وظیفه‌ی بسیار بزرگتر و خدمت بسیار مهم‌تری را به انجام رسانده و آن وظیفه‌ی معلمی به معنای واقعی کلمه است. او نه تنها معلم بی‌بدیل

^۱ این نوشته یکبار به صورت خلاصه شده در روزنامه اطلاعات به چاپ رسیده ولی در این شماره متن کامل آن ارایه شده است.

جمعیت‌شناسی است و صدها نیروی متخصص را پرورش داده، بلکه مهم‌تر از آن مانند پدر فقیدش معلم اخلاق و قرآن نیز بوده است، که تلفیق این سه حسن، یعنی علم، اخلاق و دین، توانسته او را به یک شخصیت مثال‌زدنی تبدیل کند.

خوشبختانه دانشگاه تهران و دانشکده علوم اجتماعی بخصوص، در طول عمر نه چندان بلند خود شخصیت‌های بی‌مانند کم نداشته است. در همین دانشکده افراد استثنایی چون غلامحسین صدیقی و نام‌آشنایی چون مهدی امانی، نادر افشار نادری، حشمت‌الله طیبی، محمود روح‌الامینی و مدیران لایقی مثل احسان نراقی و بسیاری دیگر بوده و هستند که زحمات و خدمات ارزشمند بی‌دریغ هریک از آن‌ها در عرصه علم و اخلاق باعث افتخار و سربلندی دانشکده و دانشگاه شده و می‌شوند.

ولی ویژگی اصلی و مهم محمد میرزایی، صرف‌نظر از تخصصش که در بالاترین سطح از آن بهرمنند است و در همه عرصه‌ها پابندی خود را به آن در عمل نشان داده و می‌دهد، خصلت مروت، جوانمردی و شجاعت در بیان حقایق و ممارست او در اثرگذاری آن است.

دکتر میرزایی بدلیل داشتن همین خصلت همیشه در تیررس حملات افراد حسود، نامتعادل و کوتاه‌بین نیز بوده است و به همین دلیل با صدمات و آسیب‌های زیادی دست و پنجه نرم کرده و هنوز هم می‌کند. موضع‌گیری‌های شجاعانه او در برابر تصمیمات غلط و مقابله او با بیانات نسنجیده، زیان‌زد خاص و عام است. میرزایی در طی سالیان بخوبی نشان داد که در مقابل هر سخن و رفتار ناروا و غیرعلمی و مغالطه‌گرانه همیشه اولین کسی است که قد علم می‌کند و با شجاعت تمام بدون در نظر گرفتن موقعیت شخصی‌اش و صدماتی که می‌تواند متوجه او شود، نظرش را با صراحت تمام بیان می‌کند. او منتظر نمی‌ماند تا از او به عنوان یک پیشکسوت و یا صاحب نظر خواسته شود تا اعلام نظر کند. هر زمانی که لازم باشد خودش بی‌محابا وارد کارزار می‌شود و نظرش را اعلام می‌کند و با سربلندی هزینه‌هایش را نیز می‌پردازد. کمتر کسی را دیده‌ام که در خیرخواهی و منصف بودن او تردید داشته باشد. برای حل هر نوع مشکلی می‌توان با اطمینان روی او حساب کرد. هرگز ندیدم نظری جانب‌دارانه ارایه دهد. این نکته زمانی به من ثابت شد که او مسئولیت سنگین هیات ممیز دانشکده را به دوش می‌کشید. در زمان او همه شاهد بودیم که تقریباً کسی نبود از نتیجه زحمات او بی‌بهره مانده باشد. او سخت‌ترین و

پیچیده‌ترین پرونده‌ها را بدون اینکه از چارچوب‌های شناخته شده علمی و اصول اخلاقی عدول کند مدیریت می‌کرد تا حق به حق‌دار برسد. مهارتی که او در عبور از پیچ‌وخم‌های دست‌وپاگیر آئین‌نامه‌های نه‌چندان متعارف با رشته علوم اجتماعی هیات ممیز داشت بر هیچ‌کس پوشیده نیست. تقریباً در طول هشت سالی که این مسئولیت را به‌عهده او گذاشته بودند، بجز یکی دو مورد، پرونده‌ای نبود که او نتوانسته باشد به سلامت به مقصد مطلوب برساند. همیشه بدنبال این بود تا نواقص را طوری برطرف کند که هیچ‌کس خدشه‌ای به اصول و قوانین وارد نشود. دانشگاه هم به همین باور رسیده بود و نظرات او را صائب دانسته و بدون فوت وقت تأیید می‌کرد.

بدون تردید برجسته‌ترین ویژگی محمد میرزایی اخلاق‌مداری است. او هیچ‌وقت هدف را توجیه‌گر وسیله نکرده است. کاری که متأسفانه امروز بسیار رایج شده است. اهدافش عمدتاً خیرخواهانه و عام‌گراست. هرکاری از دستش بربیاید بدون هیچ‌انتظاری برای هرکسی که باشد انجام می‌دهد. دیدگاه او مصداق بحق این ابیات زیبا از حضرت مولانا است که می‌فرماید:

باران که شدی مپرس این خانه کیست سقف حرم و مسجد و میخانه یکیست
باران که شدی پیاله‌ها را مشمار جام و قدح و کاسه و پیمانه یکیست

صداقت در گفتار و سعه صدر از ویژگی‌های دیگر اوست. بارها دیدم که پس از انجام یک کار مثبت عام‌المنفعه چه شور و شعفی در وجودش غلیان می‌کرد و برعکس اگر نمی‌توانست کاری برای کسی انجام دهد چه تأثر و تأسف عمیقی همراه با حسرت در چهره‌اش نمایان می‌شد. خصلت مردم‌داری او مثال‌زدنی است. تمام سعی و تلاش‌اش این است که کسی را از خود نرنجاند، اما زمانی که با عملی غیراخلاقی و یا نظر یا تصمیم غلطی روبرو می‌شود دیگر سراز پا نمی‌شناسد و لب به سخن می‌گشاید و هر آنچه لازم است گفته شود را بی‌دلهره به زبان می‌راند.

رفتارش را همیشه با شرایط هماهنگ می‌کند و از این نظر در کنار او بودن حکم شرکت در کلاس درس را دارد. همیشه می‌شود از مرام و منش او درس گرفت و آموخت. شیرین‌ترین لحظات با او بودن زمانی است که او از تجارب و خاطراتش صحبت می‌کند. خاطرات و تجاربی که با حلاوتی که در سخن اوست، صرف نظر از شیرین یا تلخ بودن همیشه دلچسب، پندآمیز و مملو از معنا و درس است. انجام کارهای مغرضانه در قاموس او نیست. خلوص نیت و استقلال

در تصمیمات در اعمال و رفتار او موج می‌زند. بارها شده، مخصوصاً در طی سالیانی که ریاست دانشکده را بعهدہ داشت، تصمیماتی برخلاف میل بعضی از اعضاء و افراد گرفت و گاهی هم به بدترین شکل از طرف رقبایش شماتت شد و آخرین بار هم این شماتت‌ها به حدی شدید شد که ادامه کار را برایش مشکل کرده بود ولی هرگز تسلیم نشد. متأسفانه این بدخلقی‌ها که ریشه در کوتہ‌بینی و کم‌تجربہ‌گی معدودی نو خاسته که عمدتاً از حربہ سیاست برای رسیدن به اهدافشان بهره می‌بردند، هدایت می‌شد کار را بجایی رساند که یکبار دیگر شایسته‌سالاری قربانی سیاست شد. دریغ و صد افسوس که با فشار رییس وقت دانشگاه او هم مجبور به کناره‌گیری و استعفاء شد! که البته حاصل این سوء مدیریت بروز بحران‌هایی بود که آرامش دانشکده را دچار تنش و تلاطم کرد و تا دوباره آرامش به دانشکده بازگردد! هم انرژی زیادی صرف شد و هم زمان زیادی از دست رفت و هم صدمات اخلاقی سنگینی به دانشکده وارد شد، که البته هنوز هم سایه آن سوء مدیریت‌ها به دلیل ادامه کم و بیش همان راه به طور کامل از سر دانشکده دور نشده است! به قول شیخ اجل:

«گرت مملکت باید آراسته مده کار معظم به نو خاسته».

ولی خوشبختانه بعدها دیدم که برخی از همان افرادی که با او سر به مخالفت برداشته بودند به اشتباه خود پی برده، با مراجعه به او از کرده خود اظهار ندامت و پشیمانی کردند و او هم با فروتنی خاص خودش آن‌ها را مورد عطف قرار داد.

فرجام کلام، دکتر محمد میرزایی یکی از معدود سرمایه‌های بزرگ دانشکده علوم اجتماعی و دانشگاه تهران است که بایستی در حفظ و بهره‌برداری از آن نهایت کوشش انجام شود.

«آن‌ها که خوانده‌ام همه از یاد من برفت الا حدیث دوست که تکرار می‌کنم»

پایان